

روایت زال و سیمرغ در شاهنامه فردوسی و عقل سرخ سهروردی و تبلور آن در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی

/// میثم براری^{۱*}، حسن بلخاری قهی^۲، سید محمد فدوی^۳

^۱ مربی، گروه کتابت و نگارگری، دانشگاه هنر اصفهان، ایران و دانشجوی دکترا، رشته مطالعات تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، گروه مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنرهای تجسمی، دانشکدگان پردیس هنرهای زیبا، تهران، دانشگاه تهران.

^۲ استاد، گروه مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنرهای تجسمی، دانشکدگان پردیس هنرهای زیبا، تهران، دانشگاه تهران.

^۳ استاد، گروه هنرهای تصویری، دانشگاه هنرهای تجسمی، دانشکدگان پردیس هنرهای زیبا، تهران، دانشگاه تهران.

دریافت مقاله: ۱۶-۰۷-۱۴۰۳، پذیرش نهایی: ۰۹-۰۹-۱۴۰۳

چکیده

شاهنامه فردوسی یکی از برجسته‌ترین آثار ادبی و هنری ایران و جهان است که از هم‌آمیزی دقیق اسطوره، حماسه، ادبیات و تاریخ شکل گرفته است. فردوسی با هنرمندی تمام، عناصر داستانی و اساطیری را به نحوی پرورانده که شخصیت‌هایی ماندگار و اثری بی‌بدیل خلق کند. همچنین سهروردی، از عارفان علاقه‌مند به حکمت ایران باستان، در کتاب عقل سرخ به شخصیت‌های اساطیری همچون زال و سیمرغ پرداخته است. او با رجوع به حکمت باستان و مطالعه آثار پهلوی و اوستایی، فلسفه‌ای را به نام حکمت اشراق بنیان نهاد که آمیزه‌ای از فلسفه ایرانی و حکمت اسلامی است. این پژوهش با هدف مقایسه ساختاری و معنایی داستان زال و سیمرغ در عقل سرخ سهروردی و شاهنامه فردوسی انجام شده است. مقاله به بررسی افتراقات و اشتراکات دو روایت و تأثیر آن‌ها بر آثار تصویری نگارگران می‌پردازد. پرسش اصلی این است که فردوسی و سهروردی چگونه و با چه رویکردی به داستان زال و سیمرغ پرداخته‌اند و این روایات چه تأثیری بر شکل و معنای روایت داشته‌اند؟ همچنین، نقش نگارگر ایرانی در بازنمایی تصویری این روایات چگونه بوده است؟ روش پژوهش تحلیلی و با رویکرد تطبیقی و داده‌ها به شیوه اسنادی گردآوری شده است. شباهت اصلی دو روایت در پیرزادگی زال و سیمرغ به عنوان نماد خرد است؛ اما تفاوت‌ها در شیوه روایت حماسی فردوسی و خوانش عرفانی سهروردی است. در حالی که زال در شاهنامه در بزرگسالی به وصال پدر می‌رسد، در عقل سرخ این وصال در کودکی رخ می‌دهد. نگارگر ایرانی با اقتباس از شاهنامه فردوسی، در ساختار و معنا از این اثر تأثیر پذیرفته است.

واژگان کلیدی

شاهنامه فردوسی، عقل سرخ سهروردی، زال، سیمرغ، نگارگری.

مقدمه

شده‌اند که شامل متون اصلی، مانند شاهنامه فردوسی و عقل سرخ سهروردی، و همچنین منابع ثانویه مرتبط با نگارگری ایرانی است. ابتدا داستان زال و سیمرغ در شاهنامه و عقل سرخ به صورت جداگانه از جنبه‌های ساختاری و معنایی مورد تحلیل قرار گرفته است. این تحلیل شامل شناسایی عناصر داستانی، اسطوره‌ای و فلسفی در هر یک از این آثار است. سپس، تطبیق این عناصر بر اساس چارچوب‌های نظری اسطوره‌شناسی تطبیقی و حکمت اشراق صورت پذیرفته است تا اشتراکات و افتراقات آن‌ها مشخص شود. در بخش دیگری از پژوهش، تأثیر این روایات بر نگارگری ایرانی بررسی شده است. در این بخش، نمونه‌هایی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی به عنوان مصادیق بصری تحلیل و نحوه بازنمایی داستان زال و سیمرغ در این آثار بررسی شده است. تأکید بر چگونگی تلفیق جنبه‌های حماسی و عرفانی در این نگاره‌ها، از جمله نکات محوری این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

موضوع پژوهش، ترکیبی از سه حوزه مهم و جذاب در ادبیات و هنر ایرانی است که در آن، داستان اساطیری شاهنامه فردوسی، فلسفه و عرفان سهروردی و هنر نگارگری دوره تیموری به هم پیوند می‌خورند. در این راستا، اولین بخش مقاله به تحلیل تطبیقی روایت زال و سیمرغ در شاهنامه می‌پردازد که نمایانگر نمادهای اساطیری و فرهنگی ایران و بیانگر مفاهیم معنوی و کیهانی است. دومین بخش مقاله به بررسی تأثیرات حکمت سهروردی بر این روایت می‌پردازد که می‌تواند به درک عمیق‌تر از ارتباط میان انسان و معانی ماورایی کمک کند و تأثیر فلسفه سهروردی را در ادبیات و اساطیر ایرانی نشان دهد. سوم آنکه، بررسی تبلور این مفاهیم در نگارگری شاهنامه تهماسبی به یک پیوند هنری و بصری می‌پردازد که چگونه نقاشان این دوره، مفاهیم ادبی و فلسفی را به صورت تصاویری پر معنا و نمادین به نمایش گذاشته‌اند. لذا پیشینه‌یابی براساس عنوان مقاله، در دو بعد اصلی قابل بررسی است: نخست منابع مرتبط با شناخت ساختار و اندیشه‌های مولفان دو اثر شاهنامه و عقل سرخ، و دوم، پژوهش‌هایی که به تحلیل شخصیت‌های زال و سیمرغ پرداخته‌اند.

الف) منابع مرتبط با شناخت ساختار و اندیشه‌های مؤلفان: در زمینه‌ی تحلیل شخصیت‌های زال و سیمرغ در شاهنامه و عقل سرخ، پژوهش‌های اولیه در پی شناسایی ریشه‌ها و معانی اسطوره‌ای و عرفانی این دو اثر قرار دارند. پورداوود (۱۳۲۶) در کتاب «فرهنگ ایران باستان»، که برای اولین بار سیمرغ را به عنوان نمادی از شاهین هخامنشی معرفی کرد، به طور غیرمستقیم به زال و سیمرغ در شاهنامه اشاره کرده است.

حضور اسطوره‌ها، نمادها و الگوها در زندگی آدمیان، مبین آموختن شیوه زندگی و نشان دادن نقشه راه است؛ حضور خدا، خدایان، نیمه‌خدایان و اهریمن و نزاع فی‌مابین آنان است که می‌تواند به انسان‌ها کمک نماید تا سره را از ناسره تشخیص دهند. آنچه مهم است خودشناسی و شناخت خود است. در ایران نیز شخصیت‌های اسطوره‌ای در قالب ایدئولوژی و اندیشه‌های خاص متبلور می‌شود. حضور اسطوره‌ها و الگوها در ایران، به‌ویژه از ایران باستان و پس از ظهور زرتشت به خوبی نمایان است و شاید آن ریشه در فرهنگ‌ها و اندیشه‌های نامکتوب قبل آن دارد. باری حضور خدایگان و اهریمنان در قالب شخصیت‌های اسطوره‌ای مرهون اوستاست که البته در هر دوره‌ای این شخصیت‌ها براساس دین، مذهب، فرهنگ و باور، شکل و شمایل خاصی گرفتند اما می‌توان در اصل همه را یکی قلمداد کرد و منبعث از یک منبع واحد دانست که در گذر زمان رنگ و شکل جداگانه‌ای یافته است. یکی از این داستان‌ها که دو تا از شخصیت اساطیری آن در دو کتاب شاهنامه حکیم فردوسی و کتاب‌های سهروردی، به‌ویژه عقل سرخ آمده است، زال و سیمرغ می‌باشد که مورد بحث این نوشتار می‌باشد. داستان زاده شدن زال و چگونگی پروریدن وی توسط سیمرغ، براساس نظر باری تعالی است. هدف پژوهش تطبیق کیفیت ساختاری و معنایی خوانش و سرایش داستان زال و سیمرغ در اندیشه حکیم توس و شیخ اشراق و تبلور آن در نگارگری است. در واقع پرسش اصلی تحقیق پاسخ به این مساله است که: کیفیت ساختاری و معنایی روایت اسطوره‌ای داستان زال و سیمرغ در دو کتاب شاهنامه و عقل سرخ چگونه صورت پذیرفت و نگارگری ایرانی چگونه از این روایت‌ها تأثیر پذیرفته است؟ تفاوت‌ها و شباهت‌ها در بیان این دو روایت در چیست؟ پژوهش از نظر هدف بنیادی و براساس روش کیفی با نگاه تطبیقی است که به صورت استنتاجی به تحلیل داستان می‌پردازد. ابتدا با جدا کردن متغیرها، ریشه‌یابی آن‌ها، به شناخت کلی دو متغیر اصلی در ادبیات، اسطوره و تاریخ ایران پرداخته می‌شود و در ادامه با بررسی هریک از متغیرها به تفکیک متن اصلی و مؤلف آن‌ها، سعی در شناخت و فهم مؤلف‌ها در به‌کارگیری از دو متغیر در آثارشان صورت می‌پذیرد و در پایان با تطبیق متغیرها، تفاوت‌ها، شباهت‌ها در خوانش آن‌ها براساس اندیشه دو مولف و نوع نگاه آن‌ها نتیجه حاصل می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و براساس روش کیفی با رویکرد تطبیقی انجام شده است. برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، از روش تحلیلی-استنتاجی بهره گرفته شده است. داده‌های پژوهش به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری

بررسی کرده است.

این ترکیب بین ادبیات، فلسفه و هنر، نادر و جذاب است و مقاله یا رساله‌ای با چنین عنوانی پیش از این منتشر نشده است. این موضوع می‌تواند نقطه شروعی جدید برای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در زمینه‌های اساطیر، فلسفه و هنر ایرانی باشد. با توجه به این پژوهش‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تطبیق روایت زال و سیمرغ در شاهنامه و عقل سرخ سهروردی و همچنین تبلور آن در نگارگری شاهنامه تهماسبی موضوعی کم‌پژوهش است که نیازمند توجه ویژه به ابعاد اسطوره‌شناسی، عرفان و هنر ایرانی است.

۴ مبانی نظری پژوهش

۱. روایت شاهنامه

بی‌شک خدای نامک پهلوی، مأخذ اصلی شاهنامه است (پورداوود، ۱۳۲۶: ۳۶). شاهنامه فردوسی که براساس خدای‌نامه‌های پهلوی دوره ساسانی (گاهنامه‌هایی که توسط موبدان و دبیران درباری نگاشته می‌شدند) به وجود آمده است، روحی یکتاپرستانه دارد و قطعاً این پیرایش در قرن چهارم ه.ق. و توسط شاعری مسلمان چون فردوسی تکمیل شده است. در چنین آثاری که هویت توأمان دینی و اساطیری خصیصه اصلی تشکیل‌دهنده آن‌هاست، معرفت استعاری که توأم با کرنش انسان است، جایگزین اسطوره آفرینش عالم لاهوت شده است (قائمی، ۱۳۹۲: ۴).

در دوران باستان، داستان شگفت‌انگیز زال و سیمرغ آغاز شد. سام نریمان، پهلوان بزرگ، از دلی پر امید به دنیا آمدن فرزند داشت. همسرش، که از زیبایی‌های طبیعی بهره‌مند بود، پسرش را به دنیا آورد که چهره‌ای تابناک چون خورشید داشت، اما موی او سفید بود. سام، که از دیدن موی سفید فرزندش ناامید و غمگین شد، او را از خانه و خانواده دور کرد و در پای البرزکوه فرستاد. در این مکان تنها، سیمرغ افسانه‌ای، که نماد حکمت و قدرت بود، به امر پروردگار به او پناه داد و کودک را بزرگ کرد. سیمرغ به زال آموخت که چگونه از طبیعت بهره‌برداری کند و در برابر مشکلات ایستادگی کند. روزها گذشت و زال به مردی نیرومند و دانا تبدیل شد. در این زمان، سام از سرنوشت فرزندش آگاه شد و برای یافتن او تلاش کرد. سیمرغ، پس از برخورد با سام و شنیدن پشیمانی او، فرزند را به نزد پدر بازگرداند. سام که ابتدا از دیدن موی سفید زال ناراحت بود، به تدریج متوجه شد که فرزندش نه تنها بی‌گناه است بلکه سرنوشت بزرگی در انتظار اوست. زال سپس به یکی از بزرگ‌ترین پهلوانان ایران تبدیل شد، و با کمک سیمرغ، در مبارزات و جنگ‌ها پیروز شد.

این اثر، به عنوان منبع اصلی برای پژوهش‌های بعدی، تأثیر عمده‌ای در مطالعات ایران‌شناسی و اسطوره‌شناسی داشت. در کنار این، کزازی (۱۳۹۲) در کتاب «نامه باستان»، به طور ویژه به تحلیل اشعار شاهنامه پرداخته و در فصلی به شرح و ریشه‌شناسی شخصیت‌های زال و سیمرغ پرداخته است. از سوی دیگر، نورایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «پیوند اسطوره و عرفان»، اشاره کرده است که سهروردی در آثار خود، از جمله «عقل سرخ»، از شخصیت‌های شاهنامه برای انتقال مفاهیم عرفانی و فلسفی استفاده کرده است. در واقع، سهروردی این شخصیت‌ها را در قالب زبان رمزی و عرفانی به کار می‌برد و آن‌ها را در جهت تبیین اندیشه‌های توحیدی و حکمت خسروانی می‌آزماید. این نوع تطبیق و رمزگشایی، باب تازه‌ای برای فهم پیوندهای عرفانی و اسطوره‌ای در آثار ایرانی گشود.

ب) پژوهش‌های مرتبط با شخصیت‌های زال و سیمرغ: درخصوص شخصیت زال، پژوهش‌های مختلفی به تحلیل ابعاد مختلف او پرداخته‌اند. مختاری (۱۳۶۹) در کتاب «اسطوره زال»، به تحلیل ویژگی‌های شخصیت زال پرداخته و او را نمادی از تضاد و وحدت در حماسه‌های ملی ایران معرفی کرده است. همچنین، مهرکی و رضائیان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی ابعاد جادویی و فرهنگ زال پرداخته‌اند و او را شخصیتی با ویژگی‌های شگفت‌انگیز می‌دانند. رهبری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر، به بررسی فرآیند گذار زال از پلیدی به نیکی پرداخته و او را نمونه‌ای از تحول معنوی در اساطیر ایرانی می‌شمارد. در این میان، موسوی و خسروی (۱۳۸۷) بر این باورند که زال در شاهنامه نماینده خرد و اراده انسانی است و تولد او از سیمرغ، نماد پیوند اسطوره و خردورزی است.

درخصوص سیمرغ، پژوهش‌های متعددی در ارتباط با جایگاه این پرنده افسانه‌ای و نقش آن در ادبیات ایرانی وجود دارد. طباطبایی (۱۳۳۵) در مقاله‌ای به بررسی نقش سیمرغ در حماسه‌های ملی پرداخته و جایگاه آن را در ادبیات ایران برجسته کرده است. از سوی دیگر، نوزاد (۱۳۴۵) به ارتباط سیمرغ با کوه قاف و بررسی نمادشناسی این ارتباط در متون ادبی پرداخته است. سلطانی‌گرددفرامرز (۱۳۷۲) در مقاله‌ای با عنوان «سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران»، نقوش سیمرغ را در فرهنگ ایرانی از دوران پیش از اسلام تا معاصر تحلیل کرده است. همچنین، پژوهش‌هایی همچون مقاله خزایی و فربود (۱۳۸۲) و رویانی (۱۳۹۶) به تحلیل نماد سیمرغ و ویژگی‌های آن در متون مختلف پرداخته‌اند و تأکید دارند که سیمرغ نه تنها نمادی از خرد و دانایی است، بلکه به عنوان راهنمایی عرفانی و معلم در اسطوره‌ها ظاهر می‌شود. در این زمینه، بلخاری قهی (۱۳۹۹) با تحقیق درخصوص ریشه‌شناسی سیمرغ در حکمت اسلامی-ایرانی، پیوندهای سیمرغ با عرفان اسلامی و اشراق را

۱.۱. سیمرغ در شاهنامه

سیمرغ^۱ مشهورترین پرنده اساطیری ایران است که نامش در داستان‌ها با زال و سرنوشت او و خاندانش پیوند خورده است. او در شاهنامه و آثار هم‌سنگ با آن در نقش حکیمی رازآگاه ظاهر می‌شود که از اسرار قدسی باخبر است (رویانی، ۱۳۹۶: ۸۹). داستان زال و سیمرغ یکی از روایت‌های مهم در شاهنامه فردوسی است که در آن به رابطه میان انسان و موجودات فراطبیعی پرداخته می‌شود. زال، پسر سام، به دلیل ظاهر سفید موی خود از جامعه طرد می‌شود. سیمرغ، پرنده‌ای افسانه‌ای و نماد خرد و قدرت، او را می‌یابد و تصمیم می‌گیرد که از او مراقبت کند. سیمرغ نه تنها زال را بزرگ می‌کند، بلکه به او آموزش‌های لازم برای رشد جسمی و روحی را می‌دهد. سیمرغ، شکاری را که گوشتی نازک‌تر و گوارتر داشت، چونان توشه، برمی‌گزید؛ تا زال از آن بهره‌بردار؛ تا آن زمان که آفریننده راز بگشاد و بودنی و سرنوشت را آشکار گردانید.» (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۹۳).

در ادامه، سیمرغ به زال کمک می‌کند تا با چالش‌ها و دشواری‌های زندگی مواجه شود و در نهایت به یکی از بزرگ‌ترین قهرمانان شاهنامه تبدیل شود. این داستان نماد رابطه انسان با نیروهای ماورایی است که با حمایت از خرد و ارزش‌های اخلاقی، می‌تواند بر مشکلات فائق آید. سیمرغ برای حمایت از زال، چند پر جادویی خود را به او می‌دهد تا در وقت گرفتاری با سوزاندن آن‌ها بر او ظاهر شود و به کمکش بشتابد. در حقیقت این پر وسیله اتصال بین سیمرغ و زال است. این روش جنگیدن برای پهلوانان کاری غیراخلاقی است، اما جادو توانسته است با روش پنددهی شیوه متفاوتی را برای قهرمان رقم بزند و او را به سوی رستگاری سوق دهد.

آبا خویشتن بر یکی پَر من همی باش در سایه فَر من
گرت هیچ سختی به روی آورند ز نیک و بد گفت و گوی آورند
بر آتش بیفکن یکی پَر من ببینی هم اندر زمان فَر من
(فردوسی، ۱۳۸۱: ج. ۱: ۱۴۸)

۱.۲. زال در شاهنامه

زال^۲ از آن روی که پیرسر است و کودکی است از «گونه‌ای دیگر»، خوار داشته می‌شود و پدرش، سام، وی را دیوزاد می‌شمارد و می‌فرماید که او را در دامنه البرزکوه درنهند، تا توشه دادن شود. سپیدمویی زال و «دیگرگونی» وی را، چونان نمادی اسطوره شناختی، به شیوه‌های گونه‌گون، می‌توان بررسی و کاوید و گزارد (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۸۵). او پسر سام پهلوان و حاکم سیستان، کودکی است که به دلیل موی سپیدش پدر او را طرد و در پای البرزکوه که جایگاه سیمرغ است رها کرده تا با مرگ او داغ ننگ را از پیشانی خود پاک کند. چرا که زال سپیدمو و کهنسال است و چرا در زیر پر سیمرغ پرورش یافته است؟ سپیدی موی زال

نمادی از پیری و گذر زمان است و ظاهر غیرمعمول او بیانگر آن است که او انسانی عادی نیست بلکه موجودی اساطیری است (رنجبر و شکوری، ۱۳۹۹: ۸). فردوسی آن‌چنان‌که شیوه اوست، به گونه‌ای پندارینه و شاعرانه نامی را که سیمرغ بر زال نهاده است، گزارد و باز نموده است: چون سام با زال دستان و بند کرده است، سیمرغ وی را «دستان زند» نامیده است. در بندهشن نیز، نام زال «دستان» آورده شده است (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۹۶).

یکی پیرسر پور پرمایه دید که چون او ندید و نه از کس شنید
(فردوسی، ۱۳۸۱: ج. ۱: ۱۴۱)

در عالم خواب است که سام از زنده بودن پسرش خبردار می‌شود و به جست و جوی او می‌رود:
سوار سرافراز و گرد تمام فراز آمدی تا به نزدیک سام
ورا مژده دادی ز فرزند اوی از آن برز شاخ برومند اوی
(همان، ۱۴۴)

اگر این خواب، سام را از وجود زال آگاهی نداده بود، هویت زال هیچگاه آشکار نمی‌شد و او فرصتی برای زندگی حماسی نمی‌یافت (رنجبر و شکوری، ۱۳۹۹: ۱۲). زمانی این خواب‌های هشداردهنده بر سام واقع می‌شوند که زال به سن بلوغ رسیده است. در حقیقت این بلوغ، بلوغ خرد اوست. (رنجبر و شکوری، ۱۳۹۹: ۱۵) «چنین خردی (غریزی) از آن برگزیدگانی است که کارکردشان به سامان کردن جهان در دوران بحرانی است» (مختاری، ۱۳۶۹: ۲۰۷). زال آمده است تا در «بحرانی‌ترین دوره از هزاره‌های زرتشتی» (همان، ۲۰۷). ایران‌شهر را نجات دهد و اعتدال حماسی را به ایران زمین بازگرداند. زال زمانی به پدر برگردانده می‌شود که آغاز خویشتکاری حماسی اوست. «زال راهنما و راهبر پهلوانان و فرمانروایان ایران است. اگر نیروی مادی جهان پهلوان را آسوده و به سامان می‌کند، نیروی روحانی زال خود راهبر و هادی این نیروی مادی است» (همان، ۲۰۸). زال با قرار گرفتن در کنار مرغ مقدس که سمبل خرد است، به خرد کیانی نائل می‌شوند (رنجبر و شکوری، ۱۳۹۹: ۱۸). نکته حائز اهمیت آن‌که از مرگ زال در شاهنامه سخنی گفته نشده است. کزازی با طرح انگاره فرازمینیان؛ زال را یکی از مردمان فرازمینی می‌داند که از نژادی دیگرگون و بی‌پیشینه و نوآیین است، از جهانی دور اما نیک پیشرفته و فناور در کهکشان یا کیهان به زمین فرود آمده است و در بازگفت‌های سپسین از این رخداد پیش از تاریخ، به چهره نمادی اسطوره‌ای دیگرگون شده است. بر این پایه سیمرغ نیز نشانی می‌تواند بود که از این ابزارهای پرنده و سفینه‌های کیهان‌نورد، در گذر هزاره‌ها، برجای و به یادگار مانده است (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۸۶).

۲. روایت سهروردی در عقل سرخ

سهروردی دوره‌ای کمتر از چهل سال در سده ششم ه.ق. /

دوازدهم م. زندگی کرد و قویاً مجموعه‌ای مطمئن در به‌کارگیری مکتب فلسفی جدیدی در جهان اسلام به عنوان مکتب فلسفی اشراقی یا حکم الاشراق^۳ بنیان نهاد (تسلیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹). او بنیان فلسفه خود را بر حکمت و دانایی ایران باستان نهاده بود. «سهروردی در رسالات عرفانی فارسی خود نه تنها از کلمات و اصطلاحات عرفانی رایج بهره می‌گیرد بلکه خود، واضح کلمات و رموز خاصی است که نیاز به شرح و تفسیر دارد، این کلمات و نوشته‌ها مخصوص مخاطبانی است که زبان رمز و اصطلاحات عرفانی را در می‌یابند، زبان رمز و اصطلاحات، زبانی عاطفی و غیراثباتی است که برای تبیین حالات عرفانی و حتی ذوقی و غیرعرفانی در ادبیات فارسی کاربرد داشته است.» (پورشرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۹). رساله عقل سرخ را می‌توان به‌عنوان پر رمزترین رساله‌های فارسی عرفانی شیخ اشراق یاد نمود. بن‌مایه این کتاب، مانند سایر آثار عرفانی‌اش، اشاره به سالکی دارد که در مسیر سلوک (طریقت) وارد و با عقول دهگانه از جمله عقل دهم (جبرئیل) مواجه می‌شود، در این مواجهه عرفانی و روحانی، او به رازهای درون‌پرده بی‌پرده و با اطمینان و آگاهی بیشتر به طی طریق ادامه می‌دهد (پورشرق و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶۶). «تلقی قدما از داستان‌ها و افسانه‌ها غالباً با جنبه رمزی آن همراه بوده است، و این اختصاص به اهل تصوف نداشته، حتی در میان اهل ادب امثال فردوسی هم داستان‌ها و اساطیر، رمزی به شمار می‌رفته‌اند، چنان‌که فردوسی در آغاز شاهنامه می‌گوید که آنچه از این داستان‌ها با خرد توافق نداشته باشند، باید جنبه رمزی آن را در نظر گرفت. از این هرچه اندر خورد باخرد دگر برره رمز معنی برد (شاهنامه، ۱۳۸۱: دیباچه)

دوازدهم م. زندگی کرد و قویاً مجموعه‌ای مطمئن در به‌کارگیری مکتب فلسفی جدیدی در جهان اسلام به عنوان مکتب فلسفی اشراقی یا حکم الاشراق^۳ بنیان نهاد (تسلیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹). او بنیان فلسفه خود را بر حکمت و دانایی ایران باستان نهاده بود. «سهروردی در رسالات عرفانی فارسی خود نه تنها از کلمات و اصطلاحات عرفانی رایج بهره می‌گیرد بلکه خود، واضح کلمات و رموز خاصی است که نیاز به شرح و تفسیر دارد، این کلمات و نوشته‌ها مخصوص مخاطبانی است که زبان رمز و اصطلاحات عرفانی را در می‌یابند، زبان رمز و اصطلاحات، زبانی عاطفی و غیراثباتی است که برای تبیین حالات عرفانی و حتی ذوقی و غیرعرفانی در ادبیات فارسی کاربرد داشته است.» (پورشرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۹). رساله عقل سرخ را می‌توان به‌عنوان پر رمزترین رساله‌های فارسی عرفانی شیخ اشراق یاد نمود. بن‌مایه این کتاب، مانند سایر آثار عرفانی‌اش، اشاره به سالکی دارد که در مسیر سلوک (طریقت) وارد و با عقول دهگانه از جمله عقل دهم (جبرئیل) مواجه می‌شود، در این مواجهه عرفانی و روحانی، او به رازهای درون‌پرده بی‌پرده و با اطمینان و آگاهی بیشتر به طی طریق ادامه می‌دهد (پورشرق و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶۶). «تلقی قدما از داستان‌ها و افسانه‌ها غالباً با جنبه رمزی آن همراه بوده است، و این اختصاص به اهل تصوف نداشته، حتی در میان اهل ادب امثال فردوسی هم داستان‌ها و اساطیر، رمزی به شمار می‌رفته‌اند، چنان‌که فردوسی در آغاز شاهنامه می‌گوید که آنچه از این داستان‌ها با خرد توافق نداشته باشند، باید جنبه رمزی آن را در نظر گرفت.

از این هرچه اندر خورد باخرد دگر برره رمز معنی برد (شاهنامه، ۱۳۸۱: دیباچه)

از تفسیری که شهردان بن‌ابی‌الخیر در اواخر قرن پنجم ه.ق از داستان‌های شاهنامه، مارهای ضحاک و زال و سیمرغ، کرده است همین معنی دانسته می‌شود، شهاب‌الدین سهروردی، شیخ اشراق، در داستان‌های رمزی خویش از قبیل عقل سرخ به نوعی برداشت رمزی از زال و سیمرغ؛ و رستم و اسفندیار پرداخته است، ولی صوفیه کار رمزپردازی و رمزخوانی را در طول زمان گسترش داده‌اند و از ظاهر قرآن کریم گرفته تا پیچیده‌ترین داستان‌ها همه را به رمز برگردانده یا گونه رمزی به کار برده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۹۷) عقل سرخ خود به پیروان خویش می‌گوید که در جهان وی، همه چیز سپید است (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۸۵).

۲.۱. سیمرغ در نگاه شیخ اشراق

شیخ اشراق در بخش‌های مختلف آثار خود درباره سیمرغ سخن گفته است؛ در رسالاتی همچون صفیر سیمرغ، عقل سرخ و فی حاله الطفولیه. او در عقل سرخ با رویکرد و تأویلی

۲.۲. زال در نگاه شیخ اشراق

کلمه زال در عقل سرخ، یازده بار تکرار شده است و در واقع «رمز نفسی است که از عالم معقول به این جهان افتاده است رنگ روی و موی او که در ابتدای تولد سفید است نشانه آن جهانی بودن و اصل فرشتگی اوست، او از آن جهان به غربت این جهان می‌آید و چون به نظر پدر و مادرش غریب می‌آید و کریه به نظر می‌رسد او را به صحرا می‌اندازند (پورنامداریان، ۱۳۹۲: ۲۶۷). «زال نماد و نمود رازوارانه رهروی خداجوی است که در پی خداجویی است و پیوند خویش را با جهانِ نهان و مینوی برین نگسسته است و سپیدی موی وی نیز نشانه‌ای است نمادین از این پیوند؛ سپیدموی در زال نوزاد نشانه آن است که وی از جهان روشن‌ان فرود آمده است که سپیدی رنگ آن است.» (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۸۵).

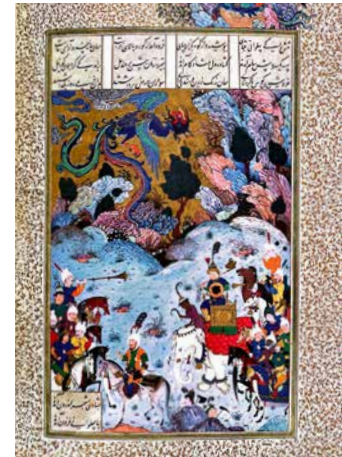
«گفت: سیمرغ آشیانه بر سر طوبی دارد. بامداد سیمرغ از آشیان خود به‌در آید و پر بر زمین بازگستراند، از اثر او میوه بر درخت پیدا شود و نبات بر زمین. پیرا گفتم شنیدم زال را



تصویر ۱. دیدن کاروانیان زال را،
منبع: (Canby, 2015: 111)



تصویر ۲. نصیحت سیمرغ به زال جهت بازگشت
به آغوش پدر، منبع: (Canby, 2015: 112)



تصویر ۳. زال در لباس شاهزادگان سوار بر پیل سپید
با سام به خانه می‌گردد، منبع: (Canby, 2015: 113)

۳. زال و سیمرغ در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی

داستان مربوط به زال و سیمرغ در شاهنامه تهماسبی، در سه نگاره مجزا پدیدار است که در هر سه نگاره زال را با مو و ابروان کاملاً سپید و در سن نوجوانی نشان می‌دهد.

در تصویر (۱) سیمرغ در حالی که آهو به منقار و پلنگ را با چنگال خویش گرفته و پروازکنان به آشیانه برگشته و غذا برای دو بچه‌اش و زال آورده‌است، در تصویر (۲) نصیحت سیمرغ به زال برای بازگشت به خانه، را زمانی که دو بچه سیمرغ در خواب هستند را تصویر می‌کند. تصویر (۳) نیز زال را در پوشش شاهزادگان و سرداران سیستان، سوار بر پیل سپید با گرز گاو سر بر دوش نشان می‌دهد. سیمرغ در تصویر (۱) در نقش پرنده‌ای شکاری با چنگال‌های قدرتمند، شکارچی توانمند که همزمان دو حیوان را شکار کرده و با خود به لانه می‌آورد تا خود، بچه‌هایش و زال از آن تغذیه کنند. در این هنگام که زال از لانه خارج شده و به استقبال دایه خویش (سیمرغ) به قسمت دامنه کوه پا می‌گذارد، توسط کاروانیان البته بصورت نامحسوس و غیرقابل باور مشاهده می‌گردد. در تصویر (۲) نقاش سیمرغ را در کسوت مادری مهربان، مربی و مشاور دانا و خردمند و دایه‌ای فداکار و باگذشت نقش کرده که در زمانی که سام از کرده خویش پشیمان شد و به دامان سیمرغ پناه برد و از او بازگشت پسرش را طلب نمود، او نیز همچون دایه‌ای مهربان به هنگام خواب بچه‌هایش، به مشاوره زال می‌پردازد و زال را دعوت به گذشت کرده پدر و بازگشت به خانه می‌کند و در عین حال درخواست زال را می‌پذیرد که به هنگام استیصال زال، چون مادری مهربان حمایتش کند. در تصویر (۳) نیز نگارگر سیمرغ را در حال اوج‌گیری و پرواز به سوی آسمان و لانه‌اش که بالای البرزکوه است نشان می‌دهد. نکته جالب توجه در این تصویر نسبت به دو تصویر قبلی این

سیمرغ پرورد؟ پیر گفت بلی درست است. گفتم چگونه بود؟ گفت چون زال از مادر در وجود آمد، رنگ موی و رنگ روی سپید داشت. پدرش سام بفرمود که وی را به صحرا بیندازند و مادرش نیز عظیم از وضع حمل وی رنجیده بود، چون بدید که پسر کریمه لقا است هم بدان رضا داد، زال را به صحرا انداخت. فصل زمستان بود و سرما، کس را گمان نبود که یک زمان زنده ماند. چون روزی چند برین برآمد مادرش از آسیب فارغ گشت. شفقت فرزندش در دل آمد. گفت یک باری به صحرا شوم و حال فرزند ببینم. چون به صحرا شد فرزند را دید زنده و سیمرغ وی را زیر پر گرفته، چون نظرش بر مادر افتاد تبسمی بکرد. مادر وی را در برگرفت و شیر داد. خواست که سوی خانه آرد. باز گفت تا معلوم نشود که حال زال چگونه بوده است که این چند روز زنده ماند، سوی خانه نشوم. زال را به همان مقام زیر پر سیمرغ فرو هشت و او بدان نزدیکی خود را پنهان کرد. چون شب درآمد و سیمرغ از آن صحرا منهزم شد، آهویی بر سر زال آمد و پستان در دهان زال نهاد. چون زال شیر بخورد خود را بر سر زال بخوابانید. چنان‌که زال را هیچ آسیب نرسید. مادرش برخاست و آهو را از سر پسر دور کرد و پسر را سوی خانه آورد. پیر را گفتم آن‌چه سر بده است؟ پیر گفت: من این حال از سیمرغ پرسیدم. سیمرغ گفت: زال در نظر طوبی به دنیا آمد ما نگذاشتیم که هلاک شود. آهو بره را به دست صیاد باز دادیم و شفقت زال در دل او نهادیم، تا شب وی را پرورش می‌کرد و شیر می‌داد و به روز خود منش زیر پر می‌داشتم.» (سهروردی، بی تا: ۹-۱۰؛ شیخ اشراق، ج. ۳: ۲۳۳). سهروردی زال را، چونان نمادی اسطوره‌ای، به گونه‌ای می‌نگرد و می‌گزارد که یکسره با نگره و گزاره آن‌که در اسطوره زال نمود و نشانی از فرازمینیان می‌بیند و می‌یابد بی‌پیوند و ناسازگار است (کزازی، ۱۳۹۲: ۴۸۷).

سیر غشکارگ در تصور (۱)

سهم غ خردمند در تصور (۲)

بسم غ در حال، تعالیٰ در تصور (۳)

هدایت کند تا به درجهٔ والایی دست پیدا کند (رنجبر و شکوری، ۱۳۹۹: ۱۲). در بندهشن، نیز پیری یکی از انواع دیوان است و چنین توصیف می‌شود: «ز زمان آن دیو است که (کسان) را بد دم کند که آن را پیری خوانند.» (بندهشن، ۱۲). در خود شاهنامه نیز اعتقاد بر این بوده است که با فرا رسیدن پیری و کهولت سن فرهی ایزدی) از انسان روی می‌گرداند (مهرکی و رضائیان، ۱۳۹۲: ۲۰۵). بررسی معنایی داستان زال سیمرغ بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه هم حکیم توس در کنار احیای فرهنگ و زبان ایرانی با بیان اسطوره و حماسه و شعر در بیانی سلیس و شیوا، در لایه‌های تودرتوی آن معانی رمزی و نمادین را گنجانده است تا آیندگان بتوانند رمزگشایی کرده و بیشتر هنر، فرهنگ و اندیشهٔ ایرانی را بشناسند. در ادامه بیشتر به شناخت رمزی داستان زال و سیمرغ در بیان فردوسی و شیخ اشراق پرده خواهیم برداشت. سیمرغ پرنده‌ای است که با حضور زال در شاهنامه ظاهر می‌شود، با توجه به اینکه شاه‌مرغان و پرنده‌ای افسانه‌ای است، نماد توحید، مظهر خرد و دانش، سالک در سفر روحانی و آگاه به حوادث آینده است. زال شخصیت طرد شده از اجتماع به دلیل رنگ موی و ابروان سپید است که طی مراحل گذار باید خویشتن را دریابد و به بلوغ فکری برسد و سپس با کسب جمیع فضایل در طی راه و مراحل دشوار به اجتماع برگردد و جامعه را در بی‌فرهی پادشاهان (نوذر، کیکاووس)، سامان بخشد. دلیل طردشدگی زال متمایز بودن وی نسبت به سایرین (موی و ابروان سپید) است که جامعه آن را برنمی‌تابد و وی را اهریمنی می‌پندارد. او که طفلی بیش نیست را برهنه در دشت و صحرا پای البرزکوه (در شاهنامه) و کوه قاف (عقل سرخ) رها می‌نمایند تا کائنات سرنوشت وی را رقم بزند. سام و دنیای وی گویی آمادگی رویارویی با این پدیدهٔ نوظهور را نداشته و آن را بدیمن، اهریمنی و زادهٔ دیوان می‌داند. اکنون سام در دوراهی انتخاب قرار می‌گیرد. او تاکنون نگران تداوم نسل خویش بود اما حال باید به ثبات حاکمیت و پادشاهی مردم خویش باشد؛ پس او کشورش را انتخاب می‌کند و فرزندش را به دست تقدیر می‌سپارد و قربانی می‌کند. در دور دست‌ترین مکان در صحرا، به دور از چشم آدمیان می‌اندازد تا شکار ددان گردد. اما کائنات

است که نگارگر لانهٔ سیمرغ را این بار بالای جدول بندی تصویر کرده است تا عروج و اوج سیمرغ بهتر معنا پیدا کند و این در حالی است که در تصاویر (۱-۲)، لانه چسبیده به قسمت زیرین جدول بندی نقش شده است. هنرمند نگارگر در تصویرگری داستان زال سعی نموده است با الهام از شعر شاعر، استفاده از عناصر تخیل و کیفیات بصری دست به خویشتکاری بزند و نگاره‌ای تاثیرگذار با رعایت اصل وفاداری بیافریند. زال در شاهنامهٔ تهماسبی، سپیدسر و سپیدموی به تصویر در می‌آید و براساس این سه نگاره، زال در سن نوجوانی و بلوغ با وساطت و پادرمیانی سیمرغ به دامان خانواده خویش برمی‌گردد و با پدرش سام همراه می‌گردد. آنچه بر اساس تصاویر هویداست، زال در تصویر (۱) کاملاً بدون لباس و عریان، لاغرتر و نحیف‌تر تصویر شده است. در تصویر (۲) زال فربه‌تر و با پوشش اندام خصوصی با پوششی از برگ‌ها به سبک انسان‌های اولیه که بالاتنه و همچنین از زانو به پایین عریان و بدون پوشش کار شده است. تصویر (۳)، نیز زال را سوار بر پیل سپید و آراسته شده به لباس و فرم رایج قهرمانان و پهلوانان سیستان با کلاه خود، گرز، سپر و زره برنار نقش شده که نشان از هوش و درایت نگارگران در فرآیند تصویرگری تکامل زال دارد.

٣. تحليل و تطبيق

سیمرغ نیز همچون زال، پدیده‌های پیچیده و مبهم است و تبلوری است از انگاره‌ها و تلقی‌های متضاد اقوام ایرانی. در شاهنامه او همچون زال وجودی است مقدس و اهریمنی. مقدس است هنگامی که به خاندان زال و به حماسه ارتباط می‌یابد، و اهریمنی است وقتی که از نظرگاه نهاد سیاسی و دینی و بویژه آمیزهٔ این دو که موضع اسفندیار و گشتاسپی است، نگریسته می‌شود، که از این نظرگاه زال نیز اهریمنی است. سیمرغ برای زال پروردگارِ است دانا و دلسوز و راهنمایی است خردمند و آگاه. پزشکی است درمان‌بخش و رهاننده از بیماری و مرگ. مرغی است فرمانروا که راز سپهر را بر زال می‌گشاید و مولود حماسه را می‌زایاند. سیمرغ از شدنی‌ها و حوادث آینده و تقدیر آگاه است (مختاری، ۱۳۶۹: ۷۴). در داستان زال و سیمرغ، سیمرغ به عنوان یک ذهن خردمند و جادوگر توانسته زال را



زال در تصویر (۱)



زال در تصویر (۲)



زال در تصویر (۳)

کتاب‌آرایی بسیار حائز اهمیت است. اولی از دیدگاه حماسی و اسطوره‌ای با چاشنی رمز و دومی با نگاه عرفانی، رمزی و نمادین. فردوسی که در سرودن شاهنامه از روایات، داستان‌ها، گوسان‌ها، دهقانان، موبدان و کتاب‌های دینی و تاریخی الهام گرفته‌است. تغییراتی در دو شخصیت اصلی مورد بحث، داده‌است.

در روایت سهروردی چنین استنباط می‌شود که چون زال را در دشت در دامنه کوه گذارده بودند، سیمرغ هر صبح به دشت می‌آمد و وی را به زیر پر خود می‌گرفت. و شب آهوی مادر که بچه‌اش شکار صیادان شده‌است او را تیمار می‌کرد. پس زال با این وصف در آشیانه سیمرغ پروریده نشده‌است و بنا به روایت مادر وی پس از دو روز که حال بهتری پیدا کرد، براساس شفقت مادری به جستجوی فرزند پرداخت و او را یافت و بدو شیر داد. زال از زیر پر سیمرغ، با لبخندی کودکانه متوجه حضور او شد و لبخندی زد و مادر را شیفته و دلبسته کرد. پس مادر او را در آغوش گرفت، شیر داد با خود به خانه برد. با این اوصاف،

جدول ۱. وجوه شباهت در شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه و عقل سرخ

شاهنامه	عقل سرخ	شخصیت
شاه مرغان، خردمند و دانا، با خبر از عالم بالا - مادر، دابه، پرورش دهنده و معلم زال		سیمرغ
سپید مو، سپید ابرو، پیر و فرتوت - پیرسر، طردشده از خانواده		زال
پدر زال، حاکم، پهلوان و یل سیستان		سام
زاینده زال، ماهرو و زیبارو، معشوقه سام، مادر حاکم آینده سیستان		مادر زال

زال تنها در روز مهمان کائنات بود که همه موجودات او را تیمار کردند. در نگاه سهروردی راه هزارساله توسط سالک در یک روز طی می‌شود. شاید مراد وی از بیان این دو روز و بازگشتش به آغوش خانواده، بیانگر همین باشد. در جدول (۱) به بیان شباهت‌های ظاهری شخصیت‌های اساطیری دو کتاب شاهنامه

سرنوشت را طوری دگر رقم می‌زند و او را در دامن خود پرورش می‌دهد و به بلوغ می‌رساند. نقش این دایه و معلم را در شاهنامه سیمرغ ایفا می‌نماید و در عقل سرخ سهروردی، سیمرغ و آهو وی را می‌پروراند. او مرغ خرد و آگاه از آینده، پیشگو و جادوگر، ستاره‌شناس، دارای دوروی ایزدی و اهریمنی (البته در شاهنامه) و آگاه به علم کائنات است. زال را به آشیانه خویش برده و در کنار جوجه‌هایش او را می‌پروراند. زال که مظهر هبوط نفس است و به دلیل متمایز بودن گویی از عالم ناشناخته روحانی به زمین مادی نزول کرد تا به حماسه این سرزمین سامان دهد و بخش مهمی از اسطوره این سرزمین را بسازد. در بدو امر مورد پذیرش قرار نگرفت؛ اما پس از الهام به سام از طریق رویای صادق، جامعه به استقبال نوگرایی و این پدیده نوظهور روی می‌آورد و آغوش می‌گشاید. «در اسطوره زال، پلیدی او همان سپیدی اوست. به سبب همین رنگ است که زال در روند اسطوره از غیر آدمی تا آدمی راه می‌پیماید (الیاده، ۱۳۶۸: ۶۱). میرچا الیاده این مرحله را مرحله اول گذار فردی می‌داند. در واقع ایشان مراحل گذار فردی را چنین برمی‌شمرد که در مورد زال نیز صدق می‌کند: ۱. جدایی نوآموز از جامعه، ۲. انتقال او به مکان آیینی، ۳. آموزش او توسط نیروهای مقدس در هیئت موجودات افسانه‌ای و ۴. بازگشت فرد و بازپذیرش او در جامعه (رهبری، ۱۳۹۲: ۱۸). این بلوغ فکری در شاهنامه تا دوره نوجوانی زال طول می‌کشد و مقارن است با بلوغ سنی انسان، اما در عقل سرخ بلوغ دو روز به طول می‌انجامد و سالک به آغوش مادر بر می‌گردد. هنرمند نگارگر در آفرینش تجسمی داستان زال، براساس بیان شاهنامه با اتکا بر خویشتکاری و دانسته‌های خود با الهام از سبک هنری رایج عصر خود به خلق نگاره اهتمام می‌ورزد که دور از ذهن نبود.

بررسی ساختاری داستان زاده‌شدن زال و پرورش او توسط سیمرغ، را می‌توان یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین بخش اسطوره‌ای ایران برشمرد و نگرستن و کاویدن گنه روایت در شاهنامه با سرایش و خوانش استاد بزرگ، حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ و خوانش فرزانه فروغ، شیخ اشراق و در ادامه خلق نگاره در قالب



جدول ۲. وجوه تفاوت در شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه و عقل سرخ

متغیرها	شاهنامه	عقل سرخ
زمان	فصل و زمان خاصی در شعر بیان نشده است.	فصل سرما و زمستان ذکر شده است. احتمالاً به دلیل سپیدی زال و وزن زال و سال و زر و سرد، شیخ فصل سرما را برگزید.
سیمرغ	۱- شاه‌مرغ افسانه‌ای که بر بالای البرزکوه آشیانه دارد که کسی را راهی بدان‌جا نیست. غذایش گوشت شکار است. ۲- دو نوع سیمرغ بزدانی و اهریمنی وجود دارد.	شاه‌مرغ افسانه‌ای که بر بالای درخت طوبی (درخت همه‌تخم) آشیانه دارد. غذایش آتش است.
زال	تا سن بلوغ در کنار سیمرغ (مرغ خرد) پرورش پیدا می‌کند و پس از رسیدن به بلوغ فکری و آگاهی از اسرار مکنون توسط سیمرغ، به تضرع سام و درخواست سیمرغ به دنیای آدمیان و حماسه پامی‌گذار.	تنها دو روز در طبیعت (در دامنه کوه و در سایه کائنات) به دور از خانواده گذاشته می‌شود. سیمرغ او را روز زیر پر خود می‌گیرد و شب‌ها آهوی مادر به وی شیر می‌دهد و زیر چتر خود می‌گیرد تا گرم نگه داشته شود.
سام	پدر زال که به دستور وی، زال کودک را پای البرزکوه می‌گذارند.	پدر زال که به دستور وی زال کودک را دشت در نزدیکی دامنه کوه قاف رها می‌کنند.
مادر زال	پس از زاییدن زال و دور کردن فرزندش توسط عمال سام، دیگر خبری از حضور وی در داستان نیست.	نقش اصلی پس از زایش زال پیدا می‌کند و پس از گذشت حداقل دوازده و پیدا کردن حال مناسب در جستجوی فرزند خویش در دامنه کوه قاف به دنبال فرزند خویش می‌گردد. او را می‌یابد و از سز زنده ماندنش آگاهی پیدا می‌کند. سرانجام زال را شیر می‌دهد و با خود به خانه می‌برد.
طی بلوغ معنوی	چند سال (حدود ۱۵ سال)	چند روز (حدود دوازده روز)
عامل بازگشت	پدر (سام)	مادر

جدول ۳. ویژگی‌های ساختاری داستان زال و سیمرغ در دو کتاب شاهنامه و عقل سرخ

ویژگی‌های ساختاری	عقل سرخ	شاهنامه
قالب اثر	منثور	منظوم
زبان اثر و شیوه بیان	پارسی و بیان رمزی، فلسفی و عرفانی	پارسی و بیان حماسی، پهلوانی و گاهی رمزی
اساس استواری اثر	توحید اسلامی بر مبنای فلسفه و عرفان و حکمت	حکمت و خرد و بر مبنای مشروعیت پادشاهی مانند کیخسرو
بازه زمانی	قرن ششم ه.ق	قرن چهارم ه.ق
تیپ	زال سیمرغ	سپیدموی و ابرو یک پرنده بزرگ که تمام رستنی‌ها از اوست، دانا و آگاه از عالم روحانی.
فصل	زمستان و سرما	ذکر نشده است.
غذا	زال سیمرغ	گوشت شکار و مکیدن خون آن‌ها گوشت شکار
کنام و آشیانه	زال سیمرغ	بالای البرزکوه در بالای البرزکوه تا نوجوانی و سپس با تشریفات انتقال به قصر
پرورش زال	روزها زیر پر زال و شب‌ها در آغوش آهو	در آشیانه زال در کنار جوجه‌هایش
بازگشت به خانواده	پس از دو روز توسط مادر	پس از رسیدن به بلوغ سنی به تضرع پدر و درخواست سیمرغ

فردوسی حفظ و احیای زبان پارسی و میراث ایران پیش از اسلام، به دلیل یورش و تخریب تازیان و سایر حکومت‌ها، می‌باشد؛ هدف فرزانه فروغ نیز احیای حکمت ایرانی در قالب آموزه‌ها و تعالیم اسلامی است. شیخ شهید پرواز سالک و رهروی خداجو را کوتاه و در لحظه می‌داند، که این مهم برای انسان‌های عادی، شاید هزاران سال به طول انجامد، اما فردوسی اگرچه با بیان اسطوره‌ای به شاهنامه می‌نگرد، براساس مراحل تکوین و رشد انسانی پیش می‌رود.

و عقل سرخ اشاره می‌شود که نشان‌دهنده این است که شیخ اشراق در خوانش شاهنامه از شخصیت‌های خود داستان با همان ویژگی و مشخصات بهره‌گرفته است.

در جدول (۲)، نیز تفاوت‌ها و تمایزات قرارداده شده در دو روایت به صورت موجز و گویا در قالب جدول آمده است. مهم‌ترین تفاوت در شکل و قالب روایت است که شاهنامه منظوم با رویکرد حماسی و اسطوره‌ای است و عقل سرخ، در قالب نثر با بیان رمزی و نمادین عرفانی است. از آنجا که هدف

جدول ۲. وجوه تفاوت در شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه و عقل سرخ

ویژگی‌های معنایی	شاهنامه	عقل سرخ
سیمرغ	جادوگر، درمانگر و طبیب	طبیب و درمانگر و مرغ خرد
	آشیانه بر بالای البرز کوه	آشیانه بر بالای درخت طوبی یا کوه قاف
	یزدانی و اهریمنی، ورود سیمرغ یزدانی به شاهنامه با تولد زال آغاز می‌شود.	یزدانی و توحیدی، ذات واحد مطلق
	سیمرغ از شدنی‌ها و حوادث آینده و تقدیر آگاه است.	آگاه به حقایق توحیدی، راهنمای سالک در رسیدن به نور
	دارای پره‌های جادویی و التیام بخش و درمانگر	در سیمرغ آن خاصیت است که اگر آیینی یا مثل آن برابر سیمرغ بدارند، هر دیده که در آن آیینی نگرند، خیره شود. همچنین دارای پره‌های جادویی و التیام بخش
	سیمرغ تنها دایه، نگهدار، معلم، پیامبر و راهنمای زال است.	سیمرغ روز از کودک نگهداری می‌کند، چون روز به جهان نور متعلق است یعنی به همان میهن نفس که یادی از آن در خاطر وی مانده است و بعدها از راه آگاهی و سیر و سلوک بدان می‌رسد.
زال	زال به نیروی درمانگری و جادوگری دست می‌یابد که پس از گذار از پلیدی به نیکی و فره در او ایجاد شده است.	شب نیز جهان ادراک‌های حسی محدود به حواس ظاهری است و آهو رمزی است از نفس نباتی.
	انگاره‌ای فرازمینی و پدیده‌ای نوظهور	هبوط نفس (از جهان روشنی) به این جهان (مادی) است.
	سپیدی موی زال عمر دراز اوست. مرگ زال و شرح مردنش در شاهنامه نیامده تا همچنان رمزآلود و مبهم باقی بماند.	سهروردی، زال را که در زبان اوستایی به معنی زمان است، به علت سپیدمویی و عمر طولانی سمبل نور و زمان می‌داند.
	خردمند، ناجی و تکمیل کننده حماسه ایران	نماد و نمودار رازوارانه رهروی خداجوی دانسته است.
	سپیدی زال دال بر پاکی وی و خرد اوست.	از دیدگاه سهروردی، زال که با مویی سپید زاده می‌شود، نمادی از خرد و پاکی است. نمونه انسان کامل که بر دیوان سیاه و سفید (تجلی درون خویش) پیروز شده است.
	رمز ناجی حماسی ایران، از خانه و اجتماع طرد می‌گردد تا خویشتن خویش را بیابد و تحت تعالیم نیروهای ماورائی و کائنات، دلش نورانی و شخصیتش کامل گردد و برای یک رسالتی بزرگ بعنوان خردمند و دوراندیش آماده گردد.	زال، رمزی از روحی است که از اصل خود جدا افتاده است، اما هنوز با آن پیوند دارد و میکوشد به اصل خود برسد. زال، رمز روحی است که به صحرائی عالم ماده افکنده می‌شود و یا نوری است که اسیر ظلمت می‌گردد.
	شخصیتی جادویی و مرموز در با چهره‌ای عجیب و خارق‌العاده.	زال در نظر طوبی به دنیا آمد.
هدف مولف	احیای فرهنگ و زبان و هنر پارسی (ایرانی) منعکس کننده فرهنگ و تاریخ ایران باستان	احیای حکمت باستان (حکمت خسروانی، حکمت اشراقی)

خویش می‌رود و او را می‌یابد و پس از آگاهی از سرزنده ماندن فرزند، او را به جامعه برمی‌گرداند. آگاهی یافتن از حضور و زنده ماندن فرزند در شاهنامه از طریق خواب بر سام ابراز می‌گردد اما در عقل سرخ، مادر خود قدم به جست‌وجو و پیدا کردن فرزند به صورت پنهانی می‌گذارد.

در جدول (۳) ویژگی‌های ساختاری داستان زال و سیمرغ در دو اثر مورد مطالعه به صورت جزء از نظر می‌گذرد تا مخاطب جامع‌تر و کامل‌تر بتواند داستان را درک نماید.

در جدول (۴) نیز ویژگی‌های رمزی و معنای دو داستان که

پیش‌تر گفته شد فردوسی با نگاه رجعت به گذشته باشکوه ایران پیش از یورش تازیان می‌نگرد و در جهت احیای زبان و آموزه‌های پارسی در قالبی اثری منظوم با بیان اسطوره‌ای و حماسی است تا روح ایرانیان را زنده نگه دارد و شیخ اشراق در جهت استفاده از حکمت ایران باستان در راستای تقویت آموزه‌های اسلامی است. در اثر فردوسی، زال پس از طردشدگی توسط پدر (سام) طی یک هیأت باشکوهی با تشریفات به جامعه بازگردانده می‌شود و جای پدر حاکم سیستان و زابلستان می‌گردد اما در اثر سهروردی، مادر به جست‌وجوی فرزند

پی‌نوشت‌ها

۱. ترکیبی از سین و مرغ است مانند سیندخت؛ در اوستا مرغوسئن و در پهلوی سین مورو است (پورداوود، ۱۳۲۶: ۸۰). تلفظ اصلی واژهٔ سیمرغ در اوستا، «مرغو سه‌نه‌نه»، و در پهلوی «سن‌مورو» و سه‌نه موروک» و در مواردی در زبان فارسی، «سیرنگ» آمده است که مستشرقین آن را به عقاب و شاهین ترجمه کرده‌اند (بلخاری قهی، ۱۳۹۹: ۷۷)، (کرزازی، ۱۳۹۲: ۴۸۸). سیمرغ یکی از شگرف‌ترین و گرانمایه‌ترین نمادها و بنیادهای اسطوره‌ای در فرهنگ ایرانی به شمار می‌رود. «این مرغ در سرنوشت قهرمانان و حوادث اساطیری دخالت می‌کند» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۷۵).
۲. «پیر فرتوت سپیدموی باشد (دهخدا)؛ اکثر بر زن پیر اطلاق کنند (برهان قاطع)؛ فرتوت و پیر سخت هرم بود (آندراج)؛ پدر رستم است چون او سفیدموی به‌وجود آمد به این نام خوانند (برهان قاطع)؛ زال را چون موی سپید بوده است زال گفته‌اند، یعنی پیر و سپیدموی (تاریخ سیستان، ص ۲۳)؛ در اوستا ریشهٔ zar (پیرشدن)، هندی باستان ریشهٔ jara-jar (پیرشده)، بلوچی zar (زن زوج)، افغانی و یودغا zar (پیرمرد) و در زر فارسی نیز لغتی است در زال که «ر» به «ل» بدل شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸: ۱۲۵۴۹) کسی که موهای سر و ابرو و مژگانش سفید باشد (معین، ذیل کلمه). «در اوستا و فرس هخامنشی حرف لام نبوده و هریک از واژه‌های فارسی که دارای لام است در اصل "ر" بوده. از آنهاست همین واژه زال که "ر" اصلی آن هم در زر به جای مانده است. زال زر (پیر فرتوت)، در اوستا واژه‌هایی همچون ژورون و ژیرین که هردو صفت‌اند به معنی پیر و فرتوت و شکسته آمده‌اند. (پورداوود، ۱۳۲۶: ۳۱۱) زال پایدارترین پدیدهٔ حماسه است. زندگی‌اش بخش عظیمی از حماسهٔ ملی را در بر گرفته است. و آغاز و انجامش، آغاز و انجام دوران پهلوانی است. او آدم حماسه و پدر پهلوانی است که هیچ پدیده یا حادثه‌ای بیرون از دایرهٔ وجودی او نیست. او معنوی‌ترین پهلوان حماسهٔ اسطوره‌ای‌ترین چهرهٔ حماسه و مرکب‌ترین موجود است. زندگی زال از آغاز با هویتی اسطوره‌ای آغاز می‌شود و به حماسه می‌پیوندد. (مختاری، ۱۳۶۹: ۱۶-۱۳)
۳. فلسفه و حکمت اشراق در ایران زاده و پرورده شده است و سرچشمهٔ آن به آیین کهن این سرزمین می‌رسد.
۴. شیخ شهاب‌الدین ابوالفتح یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی (۵۸۷-۵۴۹)، فیلسوف شهر قرن ششم هجری است.
۵. فردوسی بزرگ در شاهنامه، برای جوجه‌های سیمرغ، کلمهٔ بچه به‌کار برده است.

فهرست منابع

- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). *مقدس و نامقدس*. ترجمه: نصرالله زنگویی. تهران: سروش.
- بلخاری قهی، حسن (1399). *سیمرغ اوستایی، سیمرغ اشراقی* (پژوهشی در ریشه‌شناسی تاریخی «سیمرغ» در حکمت اسلامی-ایرانی). *تاریخ فلسفه*. سال 10. شماره ۴. ص 77-98.
- <http://hop.mullasadra.org/fa/Article/23523>

براساس پژوهش پژوهشگر با تکیه بر منابع و مراجع آمده در این تحقیق، استنباط شد، در قالب یک جدول به صورت خلاصه شده و قابل فهم آورده شده است.

نتیجه‌گیری

شاهنامه فردوسی استاد فردوسی بزرگ به‌عنوان سرآمد آثار حماسی با رویکرد اسطوره و با نگاه احیای زبان و فرهنگ ایران باستان می‌باشد که سرلوحه و مرجع بسیاری از شاهکارهای داخلی و خارجی شده است. شیخ اشراق که با دیدگاه بازگشت به حکمت خسروانی و استفاده از آن در عرفان اسلامی سرآمد است در آثار خویش از فردوسی و اوستا و منابع کهن نیز بهره‌ها برده است. کتاب عقل سرخ وی نیز از این اصل میرا نیست. او با زبان رمز و تمثیل و عرفان به خوانش داستان زال و سیمرغ فردوسی می‌پردازد و هدفمند دست به روایت برده و در قالب یک اثر عرفانی با تفاوت‌هایی بیان می‌کند. او دو دایه (سیمرغ و آهو) به فرمان طوبی برای زال در نظر می‌گیرد، سیمرغ که مظهر نور و پیام‌آور وحی است را در روز می‌گمارد و آهو که مظهر جسمانی و زمینی است را در شب. اما فردوسی تنها سیمرغ را دایه و معلم زال قرار می‌دهد که او را به آشیان خویش بالای کوه می‌برد. این در صورتی است که در داستان عقل سرخ زال در دشت پرورش می‌یابد. سیمرغ در شاهنامه دارای شخصیتی دوگانه اهریمنی و یزدانی است اما در عقل سرخ تنها دارای یک وجه و راهنمای سالک برای رسیدن به قاف است. سهروردی و فردوسی، سپیدی زال را مظهر پاکی و آن‌جهانی وی بیان می‌کنند اما می‌بینیم که جامعه ظرفیت پذیرش این پدیدهٔ نوظهور را ندارد و وی را جادوگر یا دیو می‌خوانند و از جامعه طرد می‌کنند. در واقع طردشدن زال در کودکی از اجتماع توسط هر دو منبع، می‌توان به دورهٔ گذار فردی تفسیر کرد که رهرو باید طی طریقت نماید، ریاضت بکشد، تحت تعالیم معلم اسطوره‌ای خویش به حقایق دست پیدا کند و به بلوغ برسد تا بتواند با نور و حکمت خویش برگردد و جامعه را از بدی و پلیدی برهاند. اینجاست که جامع به استقبال وی می‌آید و از وی استمداد می‌طلبد. در هردو منبع زال آگاه به اسرار نهان کائنات است که با نیت پاک و روحانی خویش سبب تولد حماسه، پهلوانی و فراوانی برای جامعهٔ خویش در سایهٔ حمایت دایهٔ پیامبر خویش می‌شود. کلید این ارتباط روحانی چند پری است که سیمرغ به وی داد تا در دوران سختی طی مراسمی خاص بسوزاند و با آمدن سیمرغ و تدبیر وی که فراتر از زال است آن گره گشوده شود. در پایان، نگارگر ایرانی سعی کرده با رعایت اصل وفاداری به متن و اتکا به دانسته‌های خویش در مصاحبت با هنرمندان، دانشمندان و شاعران و عالمان عصر خویش دست به خویشکاری بزند و اثری هنری با رعایت امانت‌داری و عرف هنری زمانهٔ خویش بیافریند.

- پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۶). *فرهنگ ایران باستان*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورشرق، صابر؛ حکیم‌آذر، محمد؛ همتی، امیرحسین (1397). تحلیل محتوای رساله عقل سرخ سهروردی، *فصلنامه عرفان اسلامی*. سال 14. شماره 55. ص 242-266.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). *دیدار با سیمرغ*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۹۲). *عقل سرخ*. تهران: سخن.
- دامغانی جاجرمی، محمد ابن علی ابن علی (۶۵۹). *صفیر سیمرغ (سهروردی)*. محفوظ در کتابخانه ملی، شماره ۲۴۱۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رنجبر، احمد؛ شکوری، بهناز (۱۳۹۹). بازتاب ادبیات تعلیمی در اساطیر کهن با نظر به داستان زال و سیمرغ و ماجراهای تلماک. *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال ۱۲. شماره ۴۵. ص ۱-۲۲.
- رویانی، وحید (۱۳۹۶). سیمرغ در ادبیات عامیانه ایران. *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*. سال ۵. شماره ۱۶. ص ۸۹-۱۰۸.
- سهروردی، شیخ شهاب‌الدین (بی‌تا). *عقل سرخ*. تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- رهبری، لادن (۱۳۹۰). گذار از ناقدسی به قدسی: بازنمایی مناسک گذار در اسطوره زال. *مجله انسان‌شناسی*. سال نهم. شماره ۱۵. ص ۱۳-۳۰.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). *زبان شعر در نثر صوفیه*. تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). *شاهنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی*. تهران: قلمی، فرزاد (۱۳۹۲). بررسی تحلیلی نخستین مصراع شاهنامه در مطابقت با باورهای فلسفی باستان و حکمت خسروانی. *جستارهای ادبی*. شماره ۱۸. ص ۱-۲۶.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۲). *نامه باستان: از آغاز تا پادشاهی منوچهر*. تهران: سمت.
- مختاری، محمد (۱۳۶۹). *اسطوره زال (تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی)*. تهران: آگاه.
- مهرکی، ایرج؛ رضائیان، صدف (۱۳۹۳). زال شخصیتی جادوگر یا فرهمند. *نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*. شماره ۱۶. ص ۲۰۳-۲۳۴.
- <https://sanad.iau.ir/fa/Article/864795>
- نورایی، الیاس (۱۳۹۲). پیوند اسطوره و عرفان؛ برداشتهای عرفانی سهروردی از شاهنامه فردوسی. *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. سال ۹. شماره ۳۲.
- <http://ensani.ir/fa/article/323148>
- <https://www.magiran.com/p1852373>
- <https://sanad.iau.ir/fa/Article/1028732>
- <https://cfl.modares.ac.ir/article-11-5134>
- <https://www.magiran.com/p1062068>
- https://jls.um.ac.ir/article_32831

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

